

این یک حق است

پروین بختیارنژاد

نگاه زنانه

نامه‌ای به فدراسیون بین‌المللی AFC و FIFA خواستار رسیدگی به حضور زنان ایرانی در ورزشگاه‌ها شدند و از این دو سازمان ورزشی خواستند تا از اختیارات خود برای پایان دادن به ممنوعیت حضور زنان در ورزشگاه‌ها استفاده و آنها را یاری کنند.
همچنین در روزهای اخیر خبر نامزدی فیلم آفساید برای جایزه اسکار در بخش فیلم‌های غیرانگلیسی در صدر اخبار فرهنگی قرار گرفت. البته دریافت این جایزه با این پیش شرط امکان‌پذیر است که این فیلم حداقل به مدت یک هفته در کشور سازنده روی پرده رفته باشد.
فیلم «آفساید» داستان زنان و دخترانی است که برای ورود به استادیوم آزادی دست به هر کاری می‌زنند. فیلم از آنجا شروع می‌شود که یک اتوبوس حامل پسران جوان برای دیدن مسابقه ایران و بحرین راهی استادیوم آزادی می‌شوند. دختری روی یکی از صندلی‌های اتوبوس نشسته. او با تن پوشی پسرانه، مضطرب و نگران به بیرون از اتوبوس خیره شده تا شاید کسی متوجه دختر بودن او نشود، تا شاید بتواند به استادیوم راه یابد. هر قدر اتوبوس به استادیوم آزادی نزدیک می‌شود، او مضطرب‌تر و نگران‌تر می‌شود که آیا می‌تواند از ورودی استادیوم بگذرد. انتخاب چهره‌ای که هم در آن معصومیت دیده می‌شود و هم بیننده هیچ نشانی از بی‌اخلاقی در او نمی‌تواند پیدا کند. او به ورودی استادیوم نزدیک می‌شود؛ به آن قسمتی که تماشاگران باید بازیدی بدنی شده و سپس وارد استادیوم شوند. با نگرانی به مامور سرباز می‌گوید: «آقا تو را خدا به من دست نزن.» گفتن این جمله همان و بازداشت او توسط آن سرباز نیز همان. دختر را به مکانی منتقل می‌کنند و او که تا آن لحظه فکر می‌کرد تنها دختر در بین خیل پسران تماشاگر این بازی است، ناگهان می‌بیند، دختری چادری، چادارش را برداشته و با پوششی پسرانه وارد استادیوم شده و جزء بازداشتی‌ها است. دختر دیگری با پوشیدن لباس سربازی و موهای پسرانه توانسته وارد استادیوم شود ولی موفق به دیدن بازی نشده است. او با روحیه‌ای زمخت که تقلیدی ماهرانه از گشتار لمپنی برخی پسران است، سعی می‌کند به بقیه بازداشتی‌ها روحیه دهد. التماس این دختران به نگهبانان سرباز برای دیدن بازی از لابه‌لای زرده‌های محل بازداشت، دیالوگی را بین آنها و آن چند سرباز برقرار می‌کند. اما لحظاتی که دیالوگ آنها با دختران جدی می‌شود، پای استدلال سربازها سست می‌شود و فقط سکوت و مکث می‌کنند و عصبانی می‌شوند و دائماً یک جمله را تکرار می‌کنند: «مگر دختر هم به ورزشگاه می‌آید.» زمانی که دخترها می‌پرسند: «مگر چه ایرادی دارد که ما هم بازی را ببینیم؟» آنها جواب دندان‌شکنی برای دختران ندارند. آرام‌آرام همدلی سربازها با دخترانی که حاضر بودند خود را با هر مشکلی مواجه سازند ولی بازی را از نزدیک ببینند، آغاز می‌شود. به‌رغم آنکه آنها مامور بودند و باید دستور فرمانده خود را اجرا کنند، ولی راه همدلی و اینکه حالا چه اشکالی دارد آنها هم به استادیوم بیایند در ذهن سربازها باز می‌شود. خلاصه ایران برنده می‌شود و راهی جام جهانی و آن چند دختر به همراه همان سربازها راهی بازداشتگاه می‌شوند. در طول راه سربازها شادی پرشور مردم را در خیابان‌ها می‌بینند و نیز شادی همین دخترانی که برای مجازات روانه بازداشتگاه شده‌اند. آنها به‌رغم آنکه نگران برخورد خانواده و مسئولان زندان هستند اما سراپا شادی‌اند. سراسر راه، نام ایران را بر زبان دارند. نگاه پاک و ساده و پر از پرسش آن سربازها شاید حکایت از آن دارد که این دیگر چه عشقی است. آیا آنها از آینده بیم ندارند که چه پیش خواهد آمد و شاید پاسخی که این دختران طی بازی به آنها داده‌اند نیز از ذهن آن بچه‌شهرستانی‌ها بیرون نرود که این یک «حق» است. به‌راستی هم این یک حق است. شادی، هیجان و از همه بالاتر عرق ملی لازمه یک زندگی سالم برای هر جوانی است اعم از جنسیت آنها، بدون در نظر گرفتن اینکه آن جوان پسر است یا دختر. قدری اندیشه منطقی با شرایط روز، اندکی همت و نیز برنامه‌ریزی شرایط چنین خواسته‌ای را مهیا می‌کنند. بدون دخالت هیچ سازمانی یا گروه خارجی و به‌دست خودمان.

مجاهدین انقلاب در کنگره دهم



حزب

دهمین کنگره «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران» امروز برگزار می‌شود. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در فروردین ماه ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران با سخنرانی رئیس‌جمهور وقت ایران، جلیل ضرابی و هانی الحسن سفیر وقت فلسطین در تهران اعلام موجودیت کرد. اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را در زمان تشکیل هفت گروهی تشکیل می‌دادند که پیش از انقلاب مسیر مبارزه مسلحانه علیه حکومت شاه را در پیش گرفته بودند. محمد سلامتی دبیرکل سازمان در مورد گروه‌های تشکیل‌دهنده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی این‌طور می‌گوید:

۱- امت واحد: که از نیروهای داخل زندان همچون محمد سلامتی، بهزاد نبوی، محسن آرمین و پرویز قدیانی تشکیل شده بود.

۲- گروه منصورون (ارتش انقلابی خلق ایران): که شاخص‌ترین چهره‌های آنها را می‌توان محسن رضایی، محمدباقر ذوالقدر، شهید علم‌الهدی و عبدالله‌زاده نام برد.

۳- گروه توحیدی پدر: که شاخص آنها حسین فدایی (دبیرکل جمعیت ایثارگران که احمدی‌نژاد هم عضو شورای مرکزی آنان است)، علی عسگری و احمد توکلی می‌باشند.

۴- گروه فلاح: که شاخص‌ترین آنها مرتضی‌الویری است.

۵- گروه فلق: که مشهورترین آنها چهره‌هایی چون حسین منتظر قائم، حسن واعظی، سیدمصطفی تاج‌زاده، بهروز باکویی و طیرانی بودند.

۶- گروه صف: که شاخص آنها محمد عطریانفر، محمد بروجردی، حسین صادقی و اکبر برایی بودند.

۷- گروه موحدین: که شاخص آنها محمد رضوی و حسین شیخ عطار بودند (محمد سلامتی مصاحبه با صبح امروز ۷۸/۱/۱۶).
ناگفته‌نماند در تأسیس سازمان افراد دیگری همچون سعید حجاریان، هاشم آقاچری، محسن رفیق‌دوست، محسن سازگارا، فیض‌الله عرب‌سرخی، خسرو تهرانی، فریدون وردی‌نژاد و عباس دوزدوزانی نیز حضور داشتند.

اما چه شد که این هفت گروه نام مجاهدین انقلاب اسلامی را بخود نهند؟
به نظر می‌رسد دلیل اصلی انتخاب این نام برای سازمان انعکاس تضاد آن با سازمان مجاهدین خلق بود. محسن رضایی در این باره می‌گوید: «ما آئدیم به عنوان بازوی مخفی انقلاب، سازمانی را متشکل از هفت گروه مبارز اسلامی درست کردیم که در حقیقت یک حزب بود و برای اینکه نقطه مقابل منافقین بایستیم اسممان را هم گذاشتیم «سازمان مجاهدین انقلاب.» (محسن رضایی، مصاحبه با کیهان، تهران ۷۸/۱۱/۱۹)

اکثر اعضای هسته اولیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در نهادهایی چون سپاه پاسداران، کمیته، اطلاعات نخست‌وزیری، اطلاعات سپاه و بخشی نیز در اطلاعات ارتش (رکن ۲) حضور داشتند. اعضای هفت گروه مبارز علیه رژیم استبدادی شاه به زندگی مخفی و چریکی عادت کرده بودند. آنها اگرچه علناً اعلام موجودیت کردند ولی ۲۵ سال طول کشید تا از کار تشکیلاتی غیر علنی دست کشیده و رسماً اعلام کنند قصد عضو گیری دارند.

در هنگام تشکیل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بحث حضور یک چهره شاخص روحانی در این سازمان به دلیل اطمینان از به انحراف کشیده نشدن آن مطرح شد. اعضای این سازمان از بنیانگذار جمهوری اسلامی درخواست تعیین یک نماینده ویژه را کردند که امام(ره) نیز آیت‌الله راستی‌کاشانی را معرفی کردند البته جناح چپ



ترافیک سیاسی در اتوبان تهران- قم

مشاوری در کنار استاد

فرید مدرسی

پرونده

ترافیک سیاسی در اتوبان تهران- قم در پی تردد سیاستمداران طراز اول ایران و گاهی پیام‌رسانان آنان که بیشتر از جنس فارغ‌التحصیلان «فیضیه» بودند، پس از انقلاب اسلامی ایران تشدید شد. آن روزها در سال ۵۸ که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به دلیل بیماری قلبی به تهران آمدند و در جماران با توجه به عدم علاقه شخصی سکنی گزیدند، این رفت و آمد بین‌شهری در انتقال پیام‌ها و تحویل دغدغه‌ها برعهده «حاج احمدآقا خمینی» گذاشته شد تا با توجه به «اسلامی» بودن حکومت، رهبری آن از دیدگاه مراجع تقلید و علمای ارشد این شهر آگاه شود. این سنت همچنان ادامه داشت. اکبر هاشمی‌رفسنجانی هم در زمان ریاست‌جمهوری خود، رابطی میان نهاد ریاست‌جمهوری و علمای قم برگزید و «ادب‌سمنایی» در این جایگاه قرار گرفت. محمد خاتمی هم با توجه به فضای سیاسی پس از دوم‌خرداد و انتقادات شدید برخی علمای ارشد از شعارهای او و حضور اکثر روحانیون متصفذ در اردوگاه هواداری «علی‌اکبر ناطق‌نوری»- رقیب انتخاباتی او- احساس نیاز شدیدی

به ایجاد «حلقه مشاوران» در این عرصه کرد. او «محمد توسلی، امام‌جمارانی، سیدسراج‌الدین موسوی، مصطفی‌الدینی، حسین‌هاشمیان و مرحوم عیابی» و در اواخر «رسول منتجب‌نیا» را برگزید تا «پیام‌رسان» او باشند و در قم را طی کنند و به خدمت «علما و مراجع» شرفیاب شوند. البته خاتمی این ارتباط را حتی قبل از انتخابات ۲ خرداد ۷۶ ایجاد کرده بود و با توجه به حمایت «جاسع‌مدرسین حوزه علمیه قم» از

«ناطق‌نوری» در آستانه این انتخابات به مدرسه امام حسین(ع) آیت‌الله مکارم شیرازی رفت تا در ساختمان نوساز این مدرسه علمیه با برخی از اعضای این مجموعه متنفذ در مدیریت حوزه علمیه قم گفت‌وگو کنند و از توسعه و رشد برخی شایعات در عرصه دینی در رابطه با او جلوگیری کند. خاتمی پس از ۸ سال مدیریت قوه مجریه قم را طی کردند و به خدمت «علما و مراجع جابگیرین او شد. اگر خاتمی و هاشمی به دلیل «معمم» بودن با رفتارها و ایما و اشاره‌های علمای قم آشنا بودند، اما «محمود احمدی‌نژاد» که شعارهای خود را بیشتر از آنان با مفاهیم «اسلامی» آمیخته بود، در این وادی خالی

از تجربه بود. او در جهت ارتباط عمیق با این شهر و علمای طراز اول در قم قدم واحد «مشاورت ریاست‌جمهوری با روحانیان» را ۱۲ دی ۸۴ به «محمدناصر سقایی‌بی‌را» داد. فردی که ۲۵ سال است با «محمدتقی مصباح‌یزدی» مرتبط است و از شاگردان ارشد او به حساب می‌آید. او برای اولین بار پای در میدان‌های اجرایی و دولتی گذاشت. او از «موسسه در راه حق» با «مصباح» ارتباط داشت و در حدود سال ۷۲ به همراه ۱۳ نفر از دوستانش همچون

«مرتضی آقاآهرانی» و «علی مصباح» به دیار غرب رفت تا دانش‌تئوریک خود را با بورسیه موسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی گسترش دهد. بی‌ریا از همان آغاز در کنار گذراندن کنترای علوم تربیتی در دانشگاه «هیوستون» آمریکا امام جمعه این شهر از ایالت‌های تگزاس شد. او اکنون در حوزه دولت تنها نیست، هستند افرادی که در مقام عضو هیات علمی و همکاری با این موسسه در نهاد ریاست‌جمهوری قدم می‌زنند. معاون اول و سخنگوی دولت اساتید این موسسه هستند و مرتضی آقاآهرانی که آموزه‌های مفاهیم «اخلاقی» را در هیات دولت مطرح می‌کند، هم شاگردی و هم کار او است. این ارتباط‌ها پیش از انتخاب محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور ایران نیز پررنگ بود. در گرماگرم انتخابات ریاست‌جمهوری جمعی از فارغ‌التحصیلان موسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی که «بی‌ریا» هم جزء آنان بود، از این کاندیدا حمایت کردند. بی‌ریا اخیراً در این باره به سایت اینترنتی «رجانیوز» گفته است: «حضرت آیت‌الله مصباح به عنوان چهره شاخص طرفدار روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد بودند و خیلی موثر. به هر حال یکی از تاثیرگذاران ایشان



فرید مدرسی، مشاور ارشد روحانیون و مدیرکل دفتر امور روحانیون در دولت محمد خاتمی

بوده‌اند و کسی نمی‌تواند انکار کند. «و در رابطه با حمایت شاگردان او نیز در گفت‌وگو با ایسنا توضیح داده است: «در آن موسسه امام‌خمینی (ره) که بنده عضو آن بودم، هم‌زمان با این آموزش‌ها، تمام کارمندان و اعضای هیات علمی یک روز حقوق خود را به ستاد دکتر احمدی‌نژاد اختصاص دادند. «به هر حال او اکنون در دفتری نه در تهران، بلکه در قم به تلاش جدی برای تقویت ارتباط تهران- قم می‌انديشد. او که شاگرد یکی از روحانیون ارشد قم است، امروز نمی‌تواند تنها با «استاد» مرتبط باشد، بلکه دیگر «آقایان» نیز در پرونده کاری او قرار دارند تا نگاه آنان نیز به تهران منتقل شود. البته اتفاق اردیبهشت‌امسال و دستور رئیس‌جمهور مبنی بر «ورود بانوان به جایگاه تماشاچی‌های فوتبال» یکی از آزمون‌هایی بود که این تنها مشاور امور روحانیون رئیس‌جمهور باید از آن گذر می‌کرد. این اتفاق نه تنها اکثر علمای ارشد قم همچون آیات عظام امیرزاجواد تبریزی، فاضل‌لنکرانی، صافی‌گلپایگانی و مکارم‌شیرازی را نگران کرد، بلکه «مصباح‌یزدی» در پامی شفاهی به دو شاگرد خود ماموریت داد که اعتراضش را به محمود احمدی‌نژاد منتقل کنند که آن دو شاگرد یکی در مقام مشاور احمدی‌نژاد بود یعنی «محمدناصر سقایی‌بی‌ریا» و دیگری استاد اخلاق هیات‌دولت «مرتضی آقاآهرانی». دو پیام‌رسانی که اگر دیروز پیام‌رسانان سیاستمداران فقط از جنس فارغ‌التحصیلان فیضیه بودند، امروز از «فارغ‌التحصیلان موسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی» هستند و در جمع اخیر خود حضور سخنگوی دولت را نیز حس کردند. بی‌ریا از اتوبان تهران- قم می‌گذرد و به «موسسه استاد» نزدیکی می‌شود، اما به دفتر خود می‌رود؛ دفتری در نزدیکی موسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی.

پنج‌شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۸۵

افزایش پرونده‌های قضایی

اکبر منتجبی

خبر ساز

یکی از اظهارات قابل توجه در این هفته، سخنان رئیس قوه قضائیه است. آیت‌الله‌هاشمی‌شاهرودی برای اولین بار خبر داده است که از هر ۹ ایرانی یک نفر پرونده قضایی دارد و به عبارتی یک نهم ایرانیان دارای پرونده‌های قضایی مفتوح در محاکم هستند. البته ایشان که در خراسان به سر می‌برد از این حجم عظیمی از پرونده‌های قضایی وجود دارد. آقای شاهرودی از تربیت‌یافتگان حوزه فقهی شهیدمحمدباقر صدر و امام‌خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است. او در سال ۷۹ با حکم آیت‌الله‌خامنه‌ای مقام معظم رهبری ریاست قوه قضائیه را به مدت پنج سال عهده‌دار شد و از سال گذشته نیز این مسئله برای پنج سال دیگر تمدید شد. پیش از این نیز رئیس قوه قضائیه ایران آیت‌الله شیخ‌محمد یزدی بود که اکنون عضو ققهای شورای نگهبان است. آیت‌الله‌هاشمی‌شاهرودی هنگامی که ریاست قوه قضائیه را عهده‌دار شد در سخنانی وضعیت قوه قضائیه را مطلوب ارزیابی نکرد. این گفته مورد استقبال نخبگان ایرانی قرار گرفت. آیت‌الله‌شاهرودی که پیش از آن از حمله ققهای شورای نگهبان‌بود و همزمان ریاست‌موسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی را عهده داشت، تلاش کرد در قوه قضائیه اصلاحات ساختاری را در دستور کار خود قرار دهد. آن زمان اعلام شد که می‌توان برای کم کردن حجم پرونده‌ها از دادرسی‌های باری گرفت. به همین دلیل دادرسی‌ها احیا شدند و شعب حل اختلاف نیز فعالیت خود را سر گرفتند. همزمان رئیس قوه قضائیه که نیم‌نگاهی نیز به مسائل سیاسی داشت، از رفتار برخی ضابطان قضایی ابراز ناخشنودی کرد و از جمع شدن دسول‌های انفرادی و نیز توقف «تعزیر» سخن به میان آورد. اما تمام این رفتارها به دلیل وجود مشکلات ریشه‌ای در اجتماع و اقتصاد ایران نه تنها حجم پرونده‌ها را کاهش نداد بلکه آن‌گونه شد که برای اولین بار رئیس قوه قضائیه اعلام کرد که «در سال ۸۴ حدود ۱۱ میلیون پرونده وارد دستگاه قضایی شد که اگر تجدیدنظر را نیز از این تعداد کم کنیم تعداد آن هشت میلیون پرونده می‌شود و اگر هشت میلیون بار ۷۰ میلیون نفر جمعیت کشور تقسیم کنیم، مشاهده می‌شود که از هر ۹ ایرانی یک نفر در دستگاه قضایی پرونده دعوای اختلاف داشته است.» با این حال قاضی شرح ایران درنمای خوبی را از آینده پرونده‌های قضایی ترسیم نمی‌کند و می‌گوید: «سالانه دو میلیون پرونده چک وارد دستگاه قضایی می‌شود.» بدین ترتیب اگر تمهیداتی در وضعیت اقتصادی کشور از یک سو و همچنین اصلاح قوانین کیفری و عادی از دیگر سو انجام نگیرد، دور نخواهد بود که مسئولین اذعان کنند مثلاً از هر سه ایرانی یک نفر پرونده قضایی دارد. در عین حال باید به این نکته نیز توجه داشت که بسیاری از این پرونده‌ها منجر به محکومیت می‌شود و تعداد قابل توجهی از متهمان روانه زندان‌ها می‌شوند. یادآوری این نکته نیز ضروری است که رئیس سابق و فعلی زندان‌ها از افزایش زندانیان گله‌مندند و خواستار اصلاح قوانین هستند. چرا که محدودیت زندان‌ها از یک سو و مسایل حاشیه‌ای تصویر مناسبی را از ایران به معرض نمی‌گذارد. بسیاری از کارشناسان حقوقی معتقدند که با اصلاحات ساختاری می‌توان برخی از معضلات و مشکلات را کم کرد.



تهیه کنندۀ: مصطفی شایسته

پژمان باژلی- حامد هداد- شاهرخ فروتنیان- ایرج نوذری- کوروش ستوده- مهدی صباغی- کیلوش گرایی- حامد آقایی و باحضور لیکو خرمند- کارفرآورنده وسمود دایکان سرمایه گذاران: محسن شاهان آزاد - هدایت فیلم - مدیر فیلمبرداری: بهرام بدخانی- موسیقی: امیر توسلی - تدوین: محمدرضا موهینی

محصول هدایت فیلم  www.hedayatfilm.net